روزمرگی‌های یک محیط‌بان

آموزش‌های قضائی و نظامی محیط‌بانان

احمدبحری

● هفته گذشته تجهیزات انفرادی دفاعی به ما تحویل داده شد. این تجهیزات شامل شوکر، افشانه و دستبند بود که به همراه یک کمربند و کیف مخصوص به هر محیط‌بان داده شد. محیط‌بانان گاهی در منطقه با متخلفانی برخورد می‌کنند که به قانون تمکین نکرده و حاضرند برای فرار از دست قانون به آنها صدمه هم بزنند. همان‌طور که به کرات این حملات نسبت به تعداد زیادی از محیط‌بانان در سراسر کشور صورت گرفته است. تمرد نسبت به مأمور دولت طبق قانون جرم محسوب می‌شود ولی چون از واژه تمرد برداشت‌های مختلفی در محاکم قضائی می‌شود برخی محیط‌بانان از تجهیزاتی که قانون در اختیارشان قرار داده است، با اکراه استفاده می‌کنند. یکی دیگر از ابزارهای دفاعی محیط‌بانان، اسلحه سازمانی کلاشنیکف است که با مجوزهای سه‌ماهه قابل تمدید پس از طی دوره‌های آموزشی اسلحه‌شناسی و تمرین در میدان تیر در اختیارمان قرار گرفته است.

همه اینها در صورتی کارایی لازم را خواهد داشت که محیط‌بان با طی دوره ویژه با عنوان ضابط دادگستری تحت نظر مقام قضائی رسما کارت ضابط دادگستری دریافت کند.

دوره آموزشی قانون نحوه به‌کارگیری سلاح نیز یکی دیگر از دوره‌های آموزشی است که از سوی یکی از افسران مجرب اداره آگاهی نیروی انتظامی ماه‌ها قبل برای محیط‌بانان برگزار شد و در آن نمونه‌های درگیری محیط‌بانان و شکارچیان که منجر به کشته‌شدن شکارچیان شده بود توسط این افسر باتجربه بحث و بررسی شد و تجربه‌های خوبی برای ما به همراه داشت.

محیط‌بانان در حین استفاده از این تجهیزات باید به قانون نحوه به‌کارگیری سلاح نیز تسلط داشته باشند. این قانون که برای تمامی نیروهای مسلح تدوین شده، دستورالعملی است برای نحوه و موقعیت‌های قانونی برای استفاده از سلاح سازمانی. در این قانون به صراحت قید شده است که نیروهای مسلح فقط در مواردی که جان و سلاحشان مورد تعدی قرار می‌گیرد، می‌توانند ابتدا به مهاجم ایست داده، سپس تیر هوایی شلیک کرده و در صورت نیاز کمر به پائین مهاجم را نشانه بگیرند. در این قانون پیچیده، ریزه‌کاری‌های بسیاری مخصوصا برای محیط‌بانان وجود دارد؛ چون در شرایط خاصی همچون کوه و دشت و صحرا که شاهدی برای اثبات قصد سوءمتخلفان نسبت به محیط‌بانان وجود ندارد، خدمت می‌کنند. درحال‌حاضر قانون جدیدی برای به‌کارگیری سلاح در شرایط خاص ویژه محیط‌بانان در دست تدوین است که در صورت تصویب، تمامی نکات لازم برای محیط‌بانان که در قانون کلی پیش‌بینی بود به‌روز خواهد شد.

از دیگر کلاس‌های آموزشی که در سال جاری برگزار شد آشنایی با تجهیزات دفاع شخصی همچون افشانه و شوکر بود که در آن با کارکردهای این تجهیزات آشنا شدیم.

امیدواریم فرهنگ و اخلاق برخی شکارچیان غیرمجاز آن‌قدر بالا برود که ما محیط‌بانان مجبور به استفاده از این وسایل نباشیم و قطعا آموزش‌های مداوم محیط‌بانان تأثیر بسزایی در کاهش درگیری‌های منجر به قتل خواهد داشت.

مروری بر یک دهه برنامه‌ستیزی در منطقه کلان‌شهری تهران و تأثیر آن بر آلودگی هوا

برج‌های منطقه ۲۲؛ حبس باد در گلوی تهران

حامد گوهری‌پور . پژوهشگر مطالعات شهری

عکس: امیر جدیدی، شرق

آلودگی هوای پایتخت بار دیگر توجه‌ها را به سوی مدیریت کلان‌شهرها، به‌ویژه تهران معطوف کرده است. ازدحام ترافیک، ضعف نسبی خدمات شهری، گرانی، بی‌کاری و ده‌ها معضل حاد دیگر، روزانه شهرنشینان را به چالش‌های گوناگون دعوت می‌کند، اما آلودگی دردناک هوای شهر، از آنجا که اصلی‌ترین نیاز فیزیولوژیک انسان‌ها، یعنی تنفس را نشانه گرفته، امروز بیش از هر موضوع دیگر، بررسی مسئله و پاسخ‌گویی تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران را طلب می‌کند. درحال‌حاضر، پرسش‌هایی اساسی درباره بحران آلودگی هوای کلان‌شهرها (با تأکید بر تهران) وجود دارد که واکاوی‌نکردن و پاسخ‌گونبودن به آنها ممکن است اذهان عمومی را منحرف کند و اصل مسئله را در هزارتوی اظهارنظرهای کارشناسانه و غیرکارشناسانه، مسئولانه و غیرمسئولانه به دست فراموشی بسپارد. سؤال‌هایی مانند اینکه چه میزان از آلودگی موجود در هوا به ضعف در ساختار برنامه‌ریزی و مدیریت شهر مربوط بوده و چقدر از آن، ناشی از محدودیت‌های جغرافیایی است؟ چرا نگاه جزئی، سیاسی، بخشی و کوتاه‌مدت به حل مسئله تاکنون، نه‌تنها نتوانسته گامی مؤثر برای کاهش این بحران محیط زیستی بردارد، بلکه وضعیت در هر سال با شروع فصل سرما (و حتی سایر روزها) وخیم‌تر از سال گذشته می‌شود؟ آیا کارشناسان حوزه مسائل شهری در سالیان اخیر به وظیفه تاریخی خود در تصمیم‌سازی صحیح به‌منظور فراهم‌کردن شرایط تصمیم‌گیری مناسب برای مدیران شهری عمل نکرده‌اند؟ مناسبات و پاس‌کاری‌های میان دولت و شهرداری در دهه اخیر تا چه حد در به‌وجودآمدن وضعیت حاضر مؤثر بوده است؟ نوشتار پیش‌رو در پی آن است از رهگذر مبانی علمی، کارشناسی و اسنادی موجود، با درنظرداشتن پرسش‌های فوق، ضمن مروری بر عملکرد نظام برنامه‌ریزی کشور در سطح فراشهری (منطقه‌ای) با تأکید بر یکی از پیشروترین و مهم‌ترین طرح‌های توسعه کشور، یعنی طرح مجموعه شهری تهران که با وجود تصویب در بالاترین سطح تصمیم‌گیری کشور، بیش از یک دهه مسکوت مانده، در مسیر ارائه راهکاری با برنامه و مدیریتی برای حل یا حداقل کاهش برخی از ریشه‌ای‌ترین مشکلات کلان‌شهر تهران -که در بسیاری از کلان‌شهرهای دیگر کشور نیز مصداق دارد- گام بردارد. اگر این توجه ویژه در برهه زمانی حاضر که تهران به پایان فرصت‌های خود برای توسعه شهری پایدار نزدیک می‌شود، نشود، چشم‌اندازی غبارآلود در انتظارش خواهد بود. مشکلاتی که امروز تهران و بسیاری از کلان‌شهرهای کشور را در باتلاقی از مسائل و بحران‌ها فروبرده، کم‌وبیش در دهه‌ها و سده‌های قبل گریبان‌گیر بسیاری از کلان‌شهرهای دیگر، ازجمله برلین، لندن، پاریس و... نیز شد. افزایش شدید جمعیت همواره در کنار رشد، توسعه و منفعت، بحران‌هایی را نیز متوجه کلان‌شهرها کرده است. حتی شهرهای صنعتی که پیشروترین کانون‌های جمعیتی در دو، سه قرن اخیر بوده و شاهد سرعت شهرنشینی نسبتا آرام‌تر بوده‌اند، در کنار بهره‌هایی که از افزایش شدید جمعیت بردند، با معضلاتی مواجه شدند که راهی جز برنامه‌ریزی در سه سطح ملی، منطقه‌ای و شهری برای آنها باقی نگذاشت.

مدیران و برنامه‌ریزان کلان‌شهرهای توسعه‌یافته دنیا متوجه این موضوع شدند که توجه صِرف به شهرها و تنها مدیریت و برنامه‌ریزی محدوده‌های داخل مرزهای شهری، نه‌تنها راه‌حل مشکلات نیست، بلکه غفلت از آنچه ورای محدوده‌های شهری می‌گذرد، می‌تواند به‌آرامی صدای داخل شهرها را نیز خاموش کرده و آنها را در هیاهویی از معضلات و بحران‌های تحمیل شده به قهقرا ببرد. مشخصا این موضوع درباره کلان‌شهرهای کشورهای درحال‌توسعه، مانند تهران، بسیار بغرنج‌تر و نیازمند عکس‌العمل سریع‌تر است. اگر هجوم جمعیت به شهرهایی مانند لندن، برلین و پاریس در دو، سه قرن و با سرعت آرام، مولد مسائل و مشکلات فراوان شد، معکوس‌شدن نسبت جمعیت شهری و روستایی در ایران، در کم‌تر از فقط نیم‌قرن حاکی از حال نزار منتج از فرصت‌های محدود برای مدیریت و برنامه‌ریزی برای کلان‌شهرهاست. آن هم در تهران که ظرفیت تحمل آن از نظر جغرافیایی بسیار کم‌تر از جمعیتی است که تاکنون در آن بارگذاری شده است. شاید «گراویه» که در سال ۱۹۴۷ کتاب «پاریس و بیابان فرانسه» را منتشر و توجه‌ها را به سمت برنامه‌ریزی برای ورای مرزهای کلان‌شهرها معطوف کرد، تصور نمی‌کرد روزی دیدگاه «آمایش سرزمین» در سطح ملی و منطقه‌ای جزء لاینفک نظام برنامه‌ریزی و توسعه شهری و روستایی شود؛ به نحوی که بی‌توجهی به آن، همانند آنچه در ایران گذشت، بحران‌هایی چندوجهی پدید آورد. این نگاه یکی از پیش‌نیازها و ارکان موفقیت طرح‌های توسعه شهری را ضرورت برنامه‌ریزی، برای مناطق شهری، به موازات (و حتی پیش از) برنامه‌ریزی برای شهرها می‌دانست. گفتنی است که منظور از منطقه در ادبیات نظری این موضوع، مجموعه‌ای از شهرها یا کلان‌شهرها با مناطق شهری کوچک و روستاهای پیرامون آنهاست که بنابر وجوه مشترکی مانند اقلیم، ویژگی‌های اجتماعی- فرهنگی، مراودات اقتصادی و یا تقسیمات سیاسی با یکدیگر پیوند دارند و وجود نگاه یکپارچه در برنامه‌ریزی و مدیریت آنها می‌تواند گامی مؤثر برای تحقق توسعه پایدار و مطلوب این کانون‌ها باشد. در تقسیمات سیاسی کشور ایران، می‌توان منطقه شهری را معادل یک یا چند استان یا بخشی از یک استان قلمداد کرد.

در ایران پس از یکی، دو تلاش نیمه‌کاره پیش از انقلاب و کوشش‌هایی چند در سطح ناحیه‌های شهری پس از انقلاب اسلامی، در نیمه اول دهه ۷۰، تفکر برنامه‌ریزی منطقه‌ای برای کلان‌شهرها برای حل یا جلوگیری از مسائل مدنی و غیرمدنی آتی بار دیگر مطرح شد و در سال ۱۳۷۴، شورای‌عالی شهرسازی و معماری «طرح‌ریزی و مدیریت مجموعه شهری تهران و سایر شهرهای بزرگ کشور و شهرهای اطراف آن» را به تصویب رساند. افزایش ناگزیر جمعیت در تهران و اطراف آن (که مثال بارز این موضوع رشد جمعیت شهری کرج از ۴۴ هزار نفر در سال ۱۳۴۵ به حدود یک‌میلیون نفر در سال ۱۳۷۵ بود)، گسترش حاشیه‌نشینی و اسکان غیررسمی، ازبین‌رفتن اراضی کشاورزی، هراس از به‌هم‌پیوستن دو کلان‌شهر و تولد نامیمون دوقلوی تهران- کرج و... دستگاه کارشناسی کشور را هم در بدنه دولت و هم جامعه شهرسازی به فکر تهیه طرحی برای مجموعه شهری تهران (تقریبا معادل با مرزهای استان قدیم تهران) انداخت تا با برنامه‌ریزی فضایی برای این پهنه پرجمعیت و پرفعالیت از سرزمین، ضمن تلاش در جهت ایجاد توازن پایدار در توسعه، بستری را به منظور برنامه‌ریزی واقع‌گرایانه‌تر برای شهرهای این مجموعه در قالب طرح‌های جامع و تفصیلی شهری فراهم آورد. این طرح با همه فرازونشیب‌هایی که در روند تهیه از سر گذراند و حتی وقفه‌ای که به جهت تغییر دولت و ازبین‌رفتن عزم پیشین در آن به‌وجود آمد، با ایجاد انسجام ذهنی میان مشاوران تهیه‌کننده طرح و دولت وقت، درنهایت در سال ۱۳۸۱ به تصویب شورای‌عالی شهرسازی و معماری رسید تا یکی از مهم‌ترین و بی‌بدیل‌ترین طرح‌های توسعه شهری (از نظر جایگاه) در طول تاریخ نظام برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای در این سرزمین بستر قانونی خود را برای اجرا پیدا کند. اهمیت این طرح تا اندازه‌ای بود که پس از عبور از گذرگاه شورای‌عالی شهرسازی و معماری، در همان سال در جلسه هیأت وزیران نیز مطرح شده و به تصویب رسید (درحالی‌که از منظر قانونی، پس از تصویب شورا ضرورتی برای این موضوع وجود نداشت) تا پشتوانه‌ای محکم برای اجرای آن ایجاد شود. طرح «مجموعه شهری تهران» با ارائه راهبردها و سیاست‌هایی در زمینه «اسکان جمعیت و فعالیت»، «بهبود نظام جابجایی»، «حفاظت و توسعه فضاهای باز و سبز» و «استقرار فعالیت‌های صنعتی» ضمن پرهیز از ورود به جزئیات مرسوم در طرح‌های توسعه شهری، مسیری عقلانی و پایدار را برای ایجاد توازن میان سکونت، فعالیت، فراغت و رفت‌وآمد در سطح مجموعه شهری و بین کانون‌های جمعیتی آن (تهران، کرج، شهریار، ورامین، دماوند، طالقان، هشتگرد و...) پیش‌رو قرار می‌دهد. هرچند این طرح بنای ورود به محدوده برنامه‌ریزی داخل شهرها را نداشته و اساسا تلاشی درجهت ایجاد ساختاری متوازن میان کانون‌های سکونت و فعالیت در سطح استان تهران (سابق) به شمار می‌آید؛ اما تأکید آن بر توقف ساخت‌وساز در منطقه ۲۲ شهر تهران بسیار جالب توجه و عبرت‌آموز است. این منطقه که مرز غربی شهر تهران را تشکیل می‌دهد، بنابر عقیده بسیاری از کارشناسان مسائل شهری، یکی از آخرین فرصت‌های شهرسازی تهران محسوب می‌شود (می‌شد!). این طرح ضمن اعلام ضرورت توقف ساخت‌وساز مسکونی و بارگذاری سکونتی در این منطقه، ضمن پیشنهاد ایجاد فعالیت‌های فراشهری و ملی (فراغتی و گردشگری) برای منطقه ۲۲، با بیان ضرورت تعریف کمربند سبز برای شهر تهران از طریق درخت‌کاری، نه‌تنها راه را بر به‌هم‌پیوستن تهران و کرج می‌بست (که امروز چیزی به تحقق این پیوستگی نمانده است)، بلکه کریدور اصلی باد شهر تهران را برای ورود و گردش هوا در این کلان‌شهر دودگرفته فراهم می‌کرد. تقریبا تمام مطالعات اقلیمی صورت‌گرفته درباره شهر تهران این موضوع را تأیید می‌کند که باد غالب ورودی این شهر حداقل در سه فصل از سال از جهت غرب بوده و جلوگیری از ورود آن به شهر به منزله فشردن گلوی خالی از نفس این کلان‌شهر افسارگسیخته است. البته ذکر این نکته ضروری است که بحث ورود باد به داخل شهر، نه به‌عنوان عامل جلوگیری‌کننده از تولید آلودگی، بلکه به‌عنوان یکی از عوامل از بین‌برنده یا کاهنده میزان آلودگی مطرح است. این یادداشت در حال حاضر قصد پرداختن به عوامل تولیدکننده آلودگی را ندارد.

این طرح ضمن اعلام ضرورت توقف ساخت‌وساز مسکونی و بارگذاری سکونتی در منطقه۲۲، ضمن پیشنهاد ایجاد فعالیت‌های فراشهری و ملی با بیان ضرورت تعریف کمربند سبز برای شهر تهران از طریق درخت‌کاری، نه‌تنها راه را بر به‌هم‌پیوستن تهران و کرج می‌بست، بلکه کریدور اصلی باد شهر تهران را برای ورود و گردش هوا در این کلان‌شهر دودگرفته فراهم می‌کرد

ادامه در صفحه ۱۷

نگاه

مقصد آموزش عالی!

محسن وفادوست

● سیستم آموزش عالی ایران، ذی‌نفعان و تصمیم‌گیران فراوان، با منافع و دیدگاه‌های متفاوت و بعضا متضادی دارد. این گستردگی و تفاوت ذی‌نفعان، منجر به سردرگمی و مشکلات پیچیده‌ای در هم‌راستایی استراتژیک تصمیمات شده است. یکی از وظایف سیستم آموزش عالی، پرورش نیروی انسانی متخصص است. برای دست‌یابی به این هدف، این سیستم باید با ارائه دروس متناسب با نیازهای جامعه کانالی مهم برای تأمین نیازهای نیروی انسانی بازار کار باشد. متأسفانه سیستم آموزش عالی ایران، با وجود گستردگی و ظرفیت فراوان، ارتباط بسیار ضعیفی با صنعت و بازار کار دارد. براساس آمارهای موجود حدود چهار میلیون نفر در ایران دانشجو هستند.

از این تعداد حدود ۱۵ درصد در دانشگاه‌های دولتی درس می‌خوانند و ۸۵ درصد دیگر در دانشگاه‌های غیر دولتی مانند دانشگاه آزاد، دانشگاه پیام نور، دانشگاه جامع علمی کاربردی و دانشگاه‌های غیرانتفاعی که با پرداخت شهریه مشغول به تحصیل هستند. از منظر مقطع تحصیلی هم حدود سه‌ونیم میلیون نفر در مقطع کاردانی و کارشناسی، حدود ۴۰۰ هزار نفر در مقطع کارشناسی ارشد و حدود ۵۰ هزار نفر در مقطع دکتری مشغول به تحصیل هستند.

به‌طورکلی بازار کار هم مانند سایر بازارها از قانون عرضه و تقاضا پیروی می‌کند. عرضه و تقاضایی که کالای مبادله‌شده در این تبادل، تخصص است نه مدرک تحصیلی؛ تخصصی که متأسفانه سیستم آموزش عالی ایران برای انتقال آن طراحی نشده است. دانشجویان ایرانی حداقل دو تا چهار سال از زمان خود را برای دریافت مدرک کاردانی یا کارشناسی صرف می‌کنند و با تحمل رنج و مشقت دوری از خانواده، دچار آسیب‌های اقتصادی، روانی و عاطفی می‌شوند، با وجود این‌همه تلاش براساس آمارها، عمده بی‌کاری کشور متوجه افراد تحصیل‌کرده و شدت بی‌کاری متناسب با مقطع تحصیلی است!

برنامه‌های تحصیلی ارائه‌شده در بعضی از دانشگاه‌ها در مقطع کاردانی و کارشناسی، تخصص و توانمندی خاصی به دانشجویان منتقل نمی‌کند. آنها صرفا با ساده‌ترین اقداماتی مانند پرداخت شهریه و حضور در کلاس موفق به أخذ مدارک دانشگاهی می‌شوند. دانشجویی که با سرمایه‌گذاری، چند سال از بهترین دوران زندگی خود به‌همراه پرداخت مبلغ قابل‌توجهی شهریه، مدرکی دانشگاهی دریافت کرده است، دیگر حاضر نیست کارهایی را انجام دهد که قبل از اخذ مدرک جدید برایش مناسب بودند و معمولا در ازای مدرک جدید توانمندی و تخصص بیشتری کسب نکرده است. او پول هزینه کرده و زمانی را در دانشگاه سپری کرده و به‌جای دانایی و تخصص، توهم دانایی خریده است. توهمی که با بالابردن توقعش، مانع دستیابی او به موقعیت کاری متناسب با تخصصش می‌شود. این مؤسسات آموزش عالی، در ظاهر بخش‌هایی از سیستم آموزش عالی کشور و در باطن، بنگاه‌های مالی فروش مدرک تحصیلی هستند.

ادامه در صفحه ۱۷

جدول ۲۴۵۷ ■ طراح: بیژن گورانی

افقی:

۱- گازی اشتعال‌ناپذیر و غیرسمی در جو زمین- ضربه‌ای با پا ۲- آبکی- برشته شده- کوچک ۳- درخت جوان- میمون آدم‌نما- بدنام ۴- پشت‌گرم- شب اول زمستان- شکم‌بند طبی ۵- شبانگاه- زدودن - بی‌هوشی ۶- صندوق خانه- اتومبیل کرایه داخل شهری- واحد اندازه‌گیری مقاومت الکتریکی ۷- عددی مفرد- سردار معتصم عباسی- رهبر و پیشوا ۸- رودی در عراق- خوشحال و شادمان- انگشت چهارم دست ۹- بصیر- سازمان جاسوسی رژیم صهیونیستی- نخستین شهید کربلا ۱۰- شهری در فارس- بدذات- سرزمین عمرمختار ۱۱- سعی و تلاش- فهم و شعور- خشک‌سالی ۱۲- درون دهان- بصیرت- ریشه در آداب و رسوم قدیم دارد ۱۳- آسوده‌خاطر- چاله بزرگ- نام قائم منتظر(عج) ۱۴- قطار برقی شهری- هادی الکتریسیته- رب‌النوع خورشید در مصر باستان ۱۵- اشاره به نزدیک- تیم تبریزی لیگ‌برتر فوتبال کشورمان.

عمودی:

۱- ناسزا- آنچه با خاک رس می‌سازند- حرکات ورزشی رزمی نمایشی ۲- رها و آزاد- آسمان- بی‌ریخت و زشت ۳- ورم- سایبان چشم- لوازم منزل ۴- غذایی از گوشت‌چرخ‌کرده و سیب‌زمینی- راه رفتن کودکانه- ژاله ۵- دورنمای عمر- خورشیدگرفتگی- پروفیل فلزی به شکل زاویه قائمه- پوستین ۶- صندلی دندان‌پزشکی- بهشت ارم را بنا نهاد- معشوق زیبا ۷- آموختنی مدرسه- جانوری از خانواده بندپایان- کارگر کشتی ۸- انتقام- دارای سطح بالایی از علم- قعر جهنم ۹- قید زمان- از باشگاه‌های معتبر فوتبال فرانسه- از افعال ربطی ۱۰- لوله بلند برای کشیدن اتومبیل از کار افتاده- ششم- قومی از نژاد هندواروپایی ۱۱- جدید- همیشه- کندزبان- مذکر ۱۲- مصباح- جاویدان، همیشگی- برقرارکردن ارتباط تلفنی ۱۳- ننر- پناهگاه- آن دیگرها ۱۴- مدخل- غلط نیست- شکاف باریک ۱۵- در حال دویدن- قرار داده شده- غیرمصنوعی.

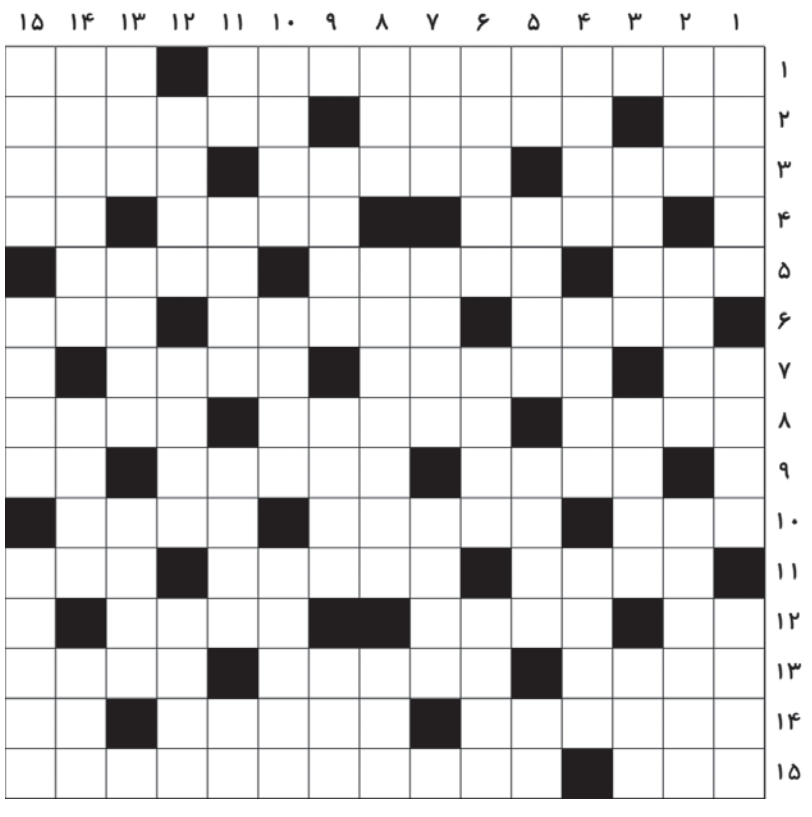

حل سودوکو سخت

۶	۹	۷	۴	۳	۸	۲	۵	۱
۸	۵	۱	۶	۹	۲	۴	۳	۷
۲	۳	۴	۱	۷	۵	۸	۹	۶
۳	۲	۸	۹	۴	۶	۱	۷	۵
۴	۱	۹	۳	۵	۷	۶	۲	۸
۵	۷	۶	۲	۸	۱	۳	۴	۹
۷	۴	۵	۸	۱	۳	۹	۶	۲
۱	۶	۳	۵	۲	۹	۷	۸	۴
۹	۸	۲	۷	۶	۴	۵	۱	۳

حل سودوکو ۱۴۵۳

۵	۶	۳	۴	۸	۹	۲	۷	۱
۷	۹	۸	۱	۲	۳	۶	۴	۵
۲	۱	۴	۶	۵	۷	۳	۹	۸
۹	۸	۶	۷	۱	۵	۴	۳	۲
۱	۲	۷	۳	۴	۶	۸	۵	۹
۴	۳	۵	۲	۹	۸	۱	۶	۷
۳	۷	۱	۵	۶	۲	۹	۸	۴
۶	۴	۹	۸	۷	۱	۵	۲	۳
۸	۵	۲	۹	۳	۴	۷	۱	۶

جدول ۲۴۵۵

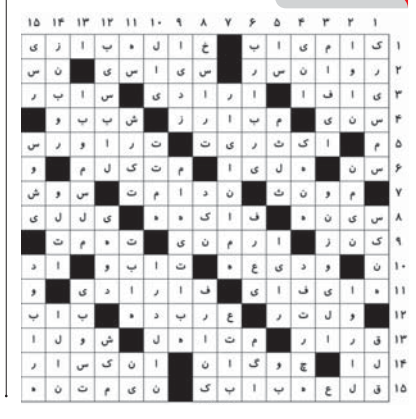

سودوکو سخت ۱۴۵۴

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

		۱	۵		۳			۸
		۵	۹		۴	۷		
	۹			۱	۸			
		۶				۸		
			۸			۳	۴	۱
۵				۳			۲	
۱					۷			۲
		۹				۴	۳	۷
۴		۲			۶			

سودوکو ۱۴۵۴

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

	۴			۳	۵	۷		
	۵	۹	۶				۳	
			۴	۹	۱			۲
۳	۲			۸				۶
		۴	۵	۲		۸		
		۶	۳		۹	۵	۲	
۵	۹	۳				۲		۸
۴			۸				۱	۷
۱	۸	۷	۹	۶				